

گامی نو در پژوهش‌های جمعیتی

دکتر حبیب‌الله زنجانی

در نیمه دوم مرداد ماه سال ۱۳۷۰، مرحله دوم طرح «نمونه‌گیری زاد و ولد» در ایران با تأیید شورای جمعیت کشور و با همکاری و اشتراک «دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال» و معاونت بهداشتی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، و مشاوران و کارشناسان علمی خارج از این دو دستگاه دولتی به انجام رسید و نتایج آن در مقیاس ملی، منتشر و در مقیاس استانی در دست انتشار است. این امر از چند لحاظ گامی نو در مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی در کشور ما محسوب می‌شود، زیرا برای اولین بار ضرورت انجام چنین پژوهشی نخست در شورای جمعیت کشور مطرح شد و پس از تهیه طرح، از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفت و به دنبال یافتن پاسخهایی بر آمد که در مواردی حتی کوچکترین اطلاع آماری منتشر شده‌ای درباره آنها وجود نداشت؛ ثانیاً، در این طرح برخلاف معمول، پرسشگر نا آشنا به در خانه پاسخگو اعزام نشد، بلکه پاسخگویان خود در سازمانی که مسئول ثبت وقایع حیاتی کشور است حضور یافتند و ضمن اخذ شناسنامه برای نوزادان خود، به سؤالات مربوط به باروری نیز که قبلاً تهیه شده و به صورت پرسشنامه کوتاه و نسبتاً جامعی در آمده بود پاسخ دادند. سؤالات از پدر و مادر

نوزادان پرمسیده شد که صالحترین و بلافصلترین افراد برای پاسخگویی به سؤالات مطروحه بوده‌اند. آنان از پیش با پرسشگر، که در واقع همان مسئول صدور شناسنامه و انجام امور جاری مربوط به ثبت ولادت فرزندان آنها بود، تا حدودی آشنا بودند و نسبت به وی احساس بیگانگی نمی‌کردند. پاسخهای مربوط به سن، نوع، مدت و مرتبه ازدواج زن و شوهر، محل تولد و محل اقامت و اطلاعات دیگر در همان زمان خود به خود با اطلاعات مندرج در شناسنامه آنها مقایسه و رفع اشکال شد. سؤالات مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر در باروری نیز مستقیماً از پدران و مادران نوزادان پرمسیده می‌شد و جایی برای اظهارنظرهای با واسطه باقی نمی‌ماند و این یکی از نکات بسیار مهم در مطالعات مربوط به باروری است که از خصوصیت‌های جنبه‌های زندگی افراد به شمار می‌رود. علاوه بر اینها، قبل از مرحله پرسشگری، هماهنگی کامل بین تهیه‌کننده اطلاعات و دستگاه مسئول سیاستهای جمعیتی کشور ایجاد شده و مهمتر از همه نتایج این مطالعه در حداقل زمان ممکن آماده و در اختیار سازمانهای برنامه‌ریزی، علمی و آموزشی کشور قرار داده شد. بی‌آنکه بخواهیم از نقایص و کاستیهای طرح غفلت، یا آنها را کتمان کنیم، باید بگوییم که این طرح می‌تواند به عنوان نوع جدیدی از پژوهشهای جمعیتی در اغلب کشورهای جهان سوم به اجرا درآید که در آنها آموزش و به کارگیری گروهی به عنوان پرسشگر، برای یک دوره کوتاه مدت که معمولاً از یک ماه تجاوز نمی‌کند، و تأمین وسایل حمل و نقل لازم برای اجرای یک طرح نمونه‌ای در سراسر کشور با مشکلات و صرف هزینه‌های زیادی مواجه است. در این راه باید تلاش زیادی به عمل آید تا روشها و نتایج طرح در اختیار آنان قرار گیرد و مقایسه‌ای بین هزینه‌های انجام چنین طرحی به روشهای مختلف صورت گیرد و بالا بودن احتمال صحت پاسخها نیز مورد آزمون واقع شود و بسته به نیاز هر کشور سؤالات اضافی حذف و سؤالات ضروری جایگزین آنها شود.

هدف از این مقاله معرفی نکات قوت طرح است و بحث درباره نقایص و کاستیهای آن به وقت دیگری موکول می‌شود. در همین راستا، به معرفی یافته‌های طرح در برخی از زمینه‌هایی پرداخته شده که تاکنون اطلاع زیادی از آنها وجود نداشته است.

۱. دفعات ازدواج و تعداد همسران

مسئله ازدواج‌های مجدد و مسائل خانوادگی و اجتماعی مترتب بر آن از جمله موضوعات مهم جامعه‌شناسی خانوادگی است که تاکنون آمار و ارقام قابل استفاده‌ای که بتواند حدود این پدیده را در جامعه ایرانی نشان دهد وجود نداشته است. به استناد یافته‌های طرح باروری، ۷۶٫۳ درصد مردان (۷۳٫۳ درصد در نقاط شهری و ۷۹٫۹ درصد در نقاط روستایی) و ۳۳٫۳ درصد زنان (۳۵ درصد در نقاط شهری و ۳۰٫۰ درصد در نقاط روستایی) بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند و اهمیت نسبی ازدواج‌های مجدد در بین افراد بیش از یک بار ازدواج کرده، به شرح زیر بوده است.

ازدواج‌ها	در بین مردانی که بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند	در بین زنانی که بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند
کلیه موارد	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰
دو بار ازدواج	۸۸٫۶ درصد	۸۷٫۹ درصد
سه بار ازدواج	۷٫۹ درصد	۳٫۹ درصد
چهار بار و بیشتر	۳٫۵ درصد	۸٫۲ درصد

بدین ترتیب گرچه اهمیت نسبی تعداد مردان بیش از یک بار ازدواج کرده بیش از دو برابر تعداد زنان این گروه است، لیکن نسبت ازدواج بار دوم برای دو جنس تقریباً مساوی است ولی در ازدواج‌های بار سوم و بار چهارم و بالاتر از هم متمایز می‌شوند.

هر چند که تعداد ازدواج‌ها و تعداد همسران، دو موضوع جدا از هم است لکن از مجموع ۴۹۵۶۰ نفر پدران مورد مطالعه در این بررسی ۹۷٫۲ درصد یک همسر و ۲٫۸ درصد بیش از یک همسر داشته‌اند (۲٫۷ درصد دارای دو همسر و ۰٫۱ درصد دارای ۳ همسر و تعداد انگشت شماری نیز دارای ۴ همسر و بیشتر بوده‌اند).

تعداد ازدواج‌ها تأثیر چندانی در افزایش باروری ندارد، اما داشتن چند زن در آن واحد، بر تعداد فرزندان خانواده (و نه تعداد متوسط فرزندان یک زن) می‌افزاید ولی ممکن است بر روی میزان باروری کل تأثیر اندکی بر جای گذارد.

۲. فاصله زمانی ولادت تا ثبت واقعه

سازمان ثبت احوال، به روال معمول خود، موالید ثبت شده هر سال را به دوزیر مجموعه جاری و معوقه تفکیک می‌کند. بررسی زمانی آمار و ارقام آن سازمان نشان می‌دهد که نسبت موالید معوقه از حدود ۵۰ درصد در حوالی سالهای ۱۳۴۵ به حدود کمتر از ۵ درصد در سالهای اخیر رسیده است. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد آن است که این تفکیک در آمارهای ارائه شده هر چند که تحت عنوان «موالید» ارائه می‌شود، مربوط به شناسنامه‌های صادره است و نه موالید که در بین آنها تعویض شناسنامه به هر دلیلی نیز جای دارد. در طرح نمونه‌ای اندازه‌گیری باروری، فاصله زمانی تولد و ثبت دقیقاً به نوزادان جدیدالولاده مربوط می‌شود و آمار گویای بهبود وضع بسیار روشنی در این مورد است. زمان بندی ثبت واقعه در رابطه با فاصله آن از زایمان در ارقام ثبتی مرداد ماه ۱۳۷۰ به شرح زیر بوده است:

روستا	شهر	کل	
۱۵٫۸ درصد	۲۴٫۷ درصد	۲۱٫۱ درصد	تا ۷ روز
۳۴٫۸ درصد	۵۲٫۰ درصد	۴۵٫۱ درصد	تا ۱۵ روز
۵۶٫۷ درصد	۷۴٫۰ درصد	۶۷٫۰ درصد	تا یک ماه
۷۷٫۴ درصد	۹۰٫۰ درصد	۸۴٫۹ درصد	تا دو ماه
۲۲٫۶ درصد	۱۰٫۰ درصد	۱۵٫۱ درصد	بیش از دو ماه

این ارقام، در عین حال، ضرورت تأکید بر ثبت بموقع موالید را نیز نشان می‌دهند، زیرا هر قدر که فاصله بین زایمان و ثبت واقعه طولانی‌تر شود، با توجه به مرگ و میرهای بسیار بالای اوان تولد و ماههای اول حیات، تعداد بیشتری از آنان از آمارهای ثبتی حذف می‌شوند. بررسی گذرا و غیرقابل استنادی که در سال ۱۳۷۰ در یک دوره کوتاه مدت بر روی تعداد مردگانی که برای انجام مراسم مذهبی، تدفین و ثبت واقعه به گورستان بهشت زهراي تهران منتقل می‌شوند صورت گرفت، نشان داد که تعداد مرگ و میرهای نوزادان در اوان تولد در زایشگاههای تهران در مواردی بیش از ۲۰ درصد کل تعداد متوفیات یک روز را تشکیل می‌دهد است. اهمیت این رقم وقتی آشکارتر می‌شود که معلوم شود اولاً کلیه زایمانهای شهر تهران در زایشگاهها صورت نمی‌گیرد و احتمال دارد که برخی از

این نوزادان در نقاطی جز بهشت زهرا دفن شوند، در حالی که برای مردگان در سنین بالا چنین وضعی به ندرت پیش می‌آید. ثانیاً، این تعداد فقط مرگ و میرهای اوان تولد را شامل می‌شود که نوزادانی فاقد نام و مشخصات هستند و در نتیجه قبل از اخذ شناسنامه از بین می‌روند. بدیهی است که با طولانی شدن فاصله زمانی تولد تا ثبت ولادت، نسبت نوزادانی که به علت مرگ به مرحله اخذ شناسنامه نمی‌رسند به مراتب بالاتر خواهد بود و این یکی از دلایل پایین بودن آمارهای ثبتی موالیذ از ارقام واقعی آن است که از طریق محاسبات جمعیتی به دست می‌آیند.

۳. تغییر ساختار سنی باروری

جوانتر شدن ساختار سنی زنان واقع در دوران باروری- همان طور که از ویژگیهای یک جمعیت جوان روبه کنترل موالیذ است- در فاصله سالهای ۱۳۷۰-۱۳۶۵ نیز در ایران خودنمایی کرده است.

مقایسه ترکیب سنی زنانی که اعلام داشته بودند در یک دوره ۱۲ ماهه قبل از سرشماری سال ۱۳۶۵ فرزنددی به دنیا آورده‌اند (جدول ۳۴ نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۶۵).

با ترکیب سنی مادران در طرح نمونه‌ای سال ۱۳۷۰ گویای جوانتر شدن ساختار سنی زنان واقع در دوران باروری است (جدول ۱).

در صورتی که بتوان نمونه مورد مطالعه را معرف درستی از ترکیب مادران بر حسب سن به حساب آورد، باید برای تعیین عملکرد واقعی سیاستهای جمعیتی در دوره پنجساله ۶۵ تا ۷۰، اثر بازدارندگی جوانتر شدن زنان واقع در سن باروری را بر توفیق ظاهری سیاستهای جمعیتی در کاهش میزان باروری افزود.

۴. وضع باروری در بین اقوام مختلف ایرانی

بحث درباره تفاوت‌های باروری در بین اقوام و گروههای مختلف تشکیل دهنده یک جامعه بزرگ از موضوعات مهم مربوط به پژوهشهای باروری در کشورهای پرجمعیت جهان است. ملاک ساده‌ای که برای تشخیص این گروهها به کار می‌رود محل سکونت و یا زبان

مادری آنهاست. در طرح نمونه گیری زاد و ولد در ایران، مادران نوزادان از روی زبان گفتاری مادران خود (مادربزرگهای نوزادان) به ۱۰ گروه تقسیم شدند که تعداد و ویژگیهای مربوط به باروری آنان در جدول ۲ ارائه شده است.

بدین ترتیب، نزدیک به ۴۶٫۲ درصد از افراد نمونه را فارسی زبانان، ۲٫۶ درصد آنان را آذری زبانان، کمی بیش از ۱۰ درصد آنها را کردی زبانان و ۸٫۹ درصد آنها را الری زبانان تشکیل می داده است.

تفاوت بین میانگین سنی ازدواجهای بار اول آنان بسیار قابل ملاحظه است و این شاخص بین ۲۲٫۴ سال در بین زنان ارمنی و ۱۶٫۹ سال در بین زنان بلوچ در نوسان بوده است. رقم ۵٫۳ سال ($۵٫۳ = ۱۶٫۹ - ۲۲٫۴$)، که پیش‌رسی سن ازدواج زنان بلوچ نسبت به زنان ارمنی را نشان می دهد، می تواند بالا بودن حدود ۱٫۹ بچه را در بین زنان بلوچ نسبت به زنان ارمنی توجیه کند.

در مورد میانگین تعداد فرزندان و چگونگی توزیع آنان بر حسب سطح سواد مادران باید این نکته را مورد تأکید قرار داد که ارقام مندرج در ستونهای مربوط به تعداد فرزندان در واقع متوسط تعداد فرزندان در حوالی ۲۶ سالگی مادران (میانۀ سنی مادران) و مربوط به مادرانی است که به طور متوسط ۷٫۷ سال از ازدواج آنان گذشته است. از این رو نباید آن را با میزان باروری کل که در واقع همان تعداد نهایی فرزندان در پایان دوران باروری زنان است اشتباه کرد.

اختلاف بین تعداد فرزندان زنده متولد شده در بین متکلمان به زبانهای مختلف نشان دهنده تفاوت سطح باروری آنان است. باروری در بین زنان بلوچ حداقل حدود ۳۷ درصد بیشتر از باروری بین زنان کل کشور بوده و در مراتب بعد به ترتیب متکلمان به زبان ترکمنی با ۲۴ درصد و عربی با ۲۱ درصد فزونی داشته اند.

حال آنکه این سطح در بین ارمنه ۲۴ درصد و در بین مجموعه زنان گیلانی و مازندرانی ۱۸ درصد کمتر از سطح ملی بوده است.

اثر سواد در کاهش سطح باروری به عنوان عاملی برتر و قطعی، در بین کلیۀ اقوام و قومیتها تجلی می کند. متوسط تعداد فرزندان زنانی که سطح سواد عالی داشته اند حدود $\frac{1}{3}$ تعداد فرزندان زنان بی سواد بوده و این تفاوت در میان ارمنیها، ترکمنها، آذریها،

شمالیها و کردها بسیار معنی دارتر از عرب زبانها و بلوچها و فارسی زبانان بوده است. بحث مربوط به تفاوت‌های باروری در بین اقوام مختلف ایرانی را با تفاوت بسیار دامنه‌دار تمایل آنان به کنترل موالید به پایان می‌بریم و برای این منظور زنانی را که دارای تعداد معینی فرزند هستند برمی‌گزینیم و تمایل آنان به داشتن فرزند بیشتر را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بین زنانی که دارای ۳ فرزند بودند، ۴۱٫۴ درصد مایل به داشتن فرزند دیگری بودند؛ ۴۹٫۶ درصد آنان تمایلی به آن نداشتند؛ و ۹٫۱ درصد نیز نظر مشخصی ابراز نکردند. درصد تمایل به داشتن فرزند بیشتر با افزایش تعداد فرزندان موجود روبه کاهش می‌گذارد، ولی در هر حال تفاوت بین نظر زنان متعلق به گروه‌های قومی در این مورد بسیار دامنه‌دار است. در حالی که حدود ۲۹ درصد زنان گیلانی و مازندرانی، ۳۳ درصد زنان ارمنی و ۳۵ درصد زنان آذری دارای سه فرزند باز هم مایل به داشتن فرزند دیگری بودند، این نسبت در بین زنان بلوچ از ۸۴ درصد، در بین زنان عرب از ۷۱ درصد و در بین زنان ترکمن از ۶۳ درصد تجاوز می‌کرده است. تفاوت بینش‌های زنان اقوام مختلف دارای ۴، ۵ و ۶ فرزند در جدول ۳ ارائه شده است. تفاوت‌های بسیار معنی دار نظر زنان در این مورد یکی از مهمترین مسائل مربوط به سیاست‌گذاریه‌های جمعیتی در نواحی و مناطق عمده زیست اقوام ایرانی است که خود ضرورت انجام مطالعات مربوط به شناخت آرمانهای آنها و چگونگی اثرگذاری در آن آرمانها را مورد تأکید قرار می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ترکیب سنی مادران در سرشماری سال ۱۳۶۵ و طرح باروری سال ۱۳۷۰

سن	۱۳۶۵	۱۳۷۰
زنانی که در دوره ۱۲ ماهه قبل از سرشماری فرزندی به دنیا آورده‌اند	۱۰۰۰	۱۰۰۰
زنانی که در مرداد ماه برای اخذ شناسنامه نوزادان خود مراجعه کرده‌اند	۰۰۵۷	۱۵۰۱
	۱۳۸۲	۱۴۴
در سنین باروری		
۱-۴		
۱۹-۱۵		
۲۴-۲۰		
۲۹-۲۵		
۳۴-۳۰		
۳۹-۳۵		
۴۴-۴۰		
۴۵ و بیشتر		

کاهش نسبت مادران ۱۵ ساله و بالاتر در نمونه در مقیاس وسیعی می‌تواند به کنترل باروری در سنین بالا و تفاوتی نمونه یا جامعه آماری مربوط شود. با توجه به پایین بودن بسیار زیاد میزان باروری در این سنین در مقایسه با سنین دیگر دوران باروری، این کاهش موجب افزایش جزئی سطح باروری در نمونه شده است.

جدول ۲ وضع باروری مادرانی که زبان آنها در جدول آورده شده است.

زبان مادری تعداد	فراوانی	میانگین سن در ازدواج اول	میانگین فرزندان	فرزندان زنده متولد شده
کلید زبانها				
آذری	۴۹۵۵۸	۱۰۰۰	۱۸۳	۵۲
ارمنی	۱۰۱۸۸	۲۰۶	۱۸۲	۵۰
بلوچی	۵۹	۰	۲۲۴	۶۲
ترکمنی	۱۳۱۴	۲۰۷	۱۶۹	۵۳
عربی	۲۸۵	۰	۱۹۵	۵۶
فارسی	۱۷۱۳	۳۰۵	۱۸۳	۵۲
کردی	۲۲۹۶۴	۴۶۲	۱۸۴	۵۴
لری	۴۹۵۸	۱۰۰	۱۸۳	۵۰
شمالی	۴۳۹۶	۸۰۹	۱۷۱	۵۴
سایر	۳۵۶۱	۷۰۲	۱۹۲	۴۷
	۱۲۰	۰	۲۰۰	۴۷

جدول ۳ توزیع مادران برحسب تمایل به داشتن فرزند دیگر با توجه به تعداد فرزندان کنونی و زبان مادری خود

جمع	۱ و ۲ فرزند	۳ فرزند	۴ فرزند	۵ فرزند	۶ فرزند و بیشتر	
۱۰۰۰	۶۵۲	۱۲۳	۷۶	۴۸	۱۰۰	جمع
۱۰۰۰	۶۸۵	۱۱۸	۷۲	۴۱	۸۴	آذری
۱۰۰۰	۷۳۳	۱۰۰	۳۳	۶۷	۶۷	ارمنی
۱۰۰۰	۳۱۱	۱۴۱	۱۲۰	۱۱۷	۳۲۲	بلوچی
۱۰۰۰	۵۵۴	۱۸۵	۷۷	۷۷	۱۰۸	ترکمنی
۱۰۰۰	۴۲۵	۱۴۷	۱۲۴	۸۸	۲۱۷	عربی
۱۰۰۰	۷۱۳	۱۱۹	۶۴	۳۷	۷۱	فارسی
۱۰۰۰	۵۹۳	۱۴۳	۹۸	۴۹	۱۱۸	کردی
۱۰۰۰	۵۰۷	۱۵۶	۱۰۶	۸۱	۱۵۰	لری
۱۰۰۰	۸۱۴	۹۲	۴۶	۱۶	۳۲	شمالی
۱۰۰۰	۵۰۸	۹۵	۱۱۱	۴۸	۲۳۸	سایر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی